

تبلیغات

بلیط سفر رو هنوز
تهیه نکردی؟

میخوای بلیط رو
آنلاین رزرو کنی؟

سفرهای ایران امیر
IranAmir.Com

رزرو بلیط <



لابیرنت (از پشت یک سوم)

2011/12/13

برای این سرزمین، کار از دعا گذشته!

ی.بوقعی دمحم / غورد و ی.لاسکشخ



برای اهالی و دوستداران تئاتر، فقط اسم خالی «محمد یعقوبی» اونقدر کشش داره که بدون در نظر گرفتن موضوع و عوامل اجرا اون‌ها رو به سالن تئاتر بکشونه و وقتی پای علی سرابی، آیدا کیخایی، باران کوثری و پیمان معادی هم وسط باشه که دیگه شکمی نمی‌مونه باید این کار (که البته چند سال پیش هم اجرا شده بود) خوب و دیدنی باشه.

این شب‌ها توی تماشاخانه (این تماشاخانه هم از اون اسم‌هاست که همیشه باهاش رفیق شد و نمی‌دونم چرا من رو یاد حاجی فیروز میندازه!) خشکسالی و دروغ اجرا میشه. تمردیم و خلاصه به کار خوب، توی تماشاخانه‌ی ایرانشهر دیدیم. هربار که اونجا رفتم بعد از دیدن نمایش، خودم رو لعن و نفرین کردم که چرا باز هم خام شدم و پا گذاشتم به این مکان شیک و پیک تا به کار و اجرای بد بینم که انگاری خیانت کردم به سالن‌های خسته‌ی تئاترشهر! گویا باید بطور دیفالت، مطمئن باشی توی این تماشاخانه قراره نمایش بد بینی مگه اینکه برعکسش ثابت بشه.

پیمان معادی که شاید (نسبت به خیلی‌ها) از لحاظ کمی، رزومه‌ی کاری پر و پیمونی نداشته باشه نشون داد که توی اجرای اولین کار زنده و نفس‌به‌نفس با تماشاچی هم موفق بوده. موفقیتی که بدون در نظر گرفتن فیلمنامه‌هاش از «دریار الی» شروع و با «جدایی نادر از سیمین» ادامه داشت و حالا باید منتظر موند و دید اولین کار سینمایی این هنرمندی که نه قد رشیدی داره و نه ریخت و قیافه‌ی هالیوودی و چشم‌های آبی و موهای بور ولی نشون داده که برای موندن و موفق شدن در سینما و تئاتر، این پارامترها نمی‌تونه خیلی موثر باشه، چی از آب در میاد.

صفحه نخست

پروفایل مدیر وبلاگ

پست الکترونیک

آرشیو

عناوین مطالب وبلاگ

پیوندهای روزانه

نگاهی به رمان «سپیدتر از استخوان»
نمایش‌های برگزیده سال ۹۴ به انتخاب منتقدان «شر

گپ و گفت با «حسین سناپور»

گفت‌وگو با «حسین سناپور»

گفت‌وگو با «لیلی گلستان»

حکایت آدم‌های حاشیه‌ای تاریخ‌ساز

واکنش سناپور به اظهارات صالحی

هشدار سردار به کلنل

آرشیو پیوندهای روزانه

نوشته‌های پیشین

دی ۱۳۹۵

اسفند ۱۳۹۴

آذر ۱۳۹۴

مهر ۱۳۹۴

شهریور ۱۳۹۴

تیر ۱۳۹۴

اردیبهشت ۱۳۹۴

اسفند ۱۳۹۳

بهمن ۱۳۹۳

دی ۱۳۹۳
آذر ۱۳۹۳
بهمن ۱۳۹۲
دی ۱۳۹۲
آذر ۱۳۹۲
مهر ۱۳۹۲
شهریور ۱۳۹۲
مرداد ۱۳۹۲
تیر ۱۳۹۲
خرداد ۱۳۹۲
اردیبهشت ۱۳۹۲
فروردین ۱۳۹۲
اسفند ۱۳۹۱
بهمن ۱۳۹۱
دی ۱۳۹۱
آذر ۱۳۹۱
آبان ۱۳۹۱
مهر ۱۳۹۱
شهریور ۱۳۹۱
مرداد ۱۳۹۱
تیر ۱۳۹۱
خرداد ۱۳۹۱
اردیبهشت ۱۳۹۱
فروردین ۱۳۹۱
اسفند ۱۳۹۰
بهمن ۱۳۹۰
دی ۱۳۹۰
آرشیو

آرشیو موضوعی

:: روزمرگی
 :: سرزمین نوچ
 :: سه نقطه‌ها
 :: فیلم و تئاتر
 :: سفر
 :: کتاب
 :: موسیقی
 :: از دیگران

پیوندها

سرزمین نوچ
 فتویلاگ کیوان
 ناتور | پدرام رضایی‌زاده
 فتویلاگ سام جوانروح
 روزبه روزبہاتی
 عکس‌آباد | فتویلاگ روزبه
 جامعه کهنه | علی چنگیزی
 شمال از شمال غربی | محسن آرم
 پاگرد | سارا محمدی اردہالی
 خوابگرد | سیدرضا شکرالهی
 غلاف تمام فلزی | حمیدرضا پورنصیری

وقتی بروشور و تبلیغات «خشکسالی و دروغ» رو می‌بینی و خط میخی و جمله‌ای از داریوش یا کوروش! که:

«اهورامزدا این سرزمین را از دشمن، از خشکسالی، از دروغ دور بدار» توقع داری وقتی چراغ روشن میشه روی صحنه یه سیری سرباز با نیزه و کلاهخود و سپر، تو همون مایه‌های سربازهایی که حک شدن روی ستون‌های تخت‌جمشید، ببینی. ولی پیمان معادی هست با لپ‌تاپ و علی سرابی و باران کوثری از همین آدم‌های امروزی که هنوز دارن سَر بازی فوتبال پرسپولیس و استقلال هفته‌ی قبل کُری می‌خوندن. آدم‌ها، همه از جنس خودمون هستن. با دغدغه و مشکلات زن و مرد جوامع مدرن امروزی که نویسنده به‌خوبی و هنرمندانه نشون داده که هر دو جنسیت زن و مرد و نوع نگاه و مشکلاتشون رو می‌شناسه.

هر چند تا حالا نتونستم اون تکرار دیالوگ‌های چند باره نمایش‌های محمد یعقوبی رو که حالا دیگه خیلی هم داره کلیشه میشه و میره تو مُخ رو بفهمم ولی این‌بار هم کارگردان نشون داده که از خلاقیت زیادی برخورداره و اون سایلنت شدن و کیش اومدن دیالوگ‌ها به‌خوبی تونسته قسمتی از محدودیت‌های زبانی روی صحنه رو بیوشونه. در کنار تمام محاسن کار، به‌نظرم باران کوثری با تمام تلاشی که برای خوب بازی کردن داره ولی سه نفر دیگه اونقدر خوب هستن که ناخواسته بازی ضعیف باران به‌چشم میاد.

اگه هنوز علاقه‌ی مونده به هنر و دلی برای زدن به شهر و دود و ترافیک، «خشکسالی و دروغ» رو از دست ندین. هر چند وقتی روی بروشور و کنار خط میخی و خواسته‌ایی که پادشاه ایران از اهورامزدا داشته، این جمله رو هم می‌بینی که: «مادر خرگوش کوچولو می‌گه: خب حالا بیا این هویج رو بخور.» دچار تضاد عجیبی میشی! ولی مطمئن باشید بعد از دیدن «خشکسالی و دروغ» از خودتون و این نمایش راضی خواهید بود.

نوشته شده توسط K1 در ساعت 9:2 | لینک | آرشیو نظرات

سرهرمس مارانا
 جعبه سیاه | سمیه نوروژی
 طویا | یاسر نوروژی
 نیمه سوخته | آیت دولتشاه
 این یادگاری از من است
 حسین سناپور
 رضا فکری
 میثم کیانی
 سیب نُرش | فرشته نوبخت
 صفحه سیزده | مریم مهتدی
 داروگ | رضیه انصاری
 عروسک کوکی
 خزعبلاتی به رنگ انار
 شال کردن
 سیب و سرگشتگی
 ایدا | آهو نمی‌شوی
 یک سرخپوست خوب
 پریسه
 پیاده‌رو
 لنگ دراز
 خرس
 دل گپ
 کتاب افق
 سه نصفه‌شب
 سه روز پیش
 فتویلاگ حامد خرچیار
 تهرانر
 دوشنبه
 سی‌وینج درجه
 پونه ابدالی
 فتویلاگ مهنار میناوند
 هدا رستمی
 آرش عاشورنیا
 آلبالوهای قرمز زندگی
 این نیز بگذرد
 اقلیما
 خواب بزرگ
 زن زیادی
 شراگیم زند
 کتاب افق
 کتابلاگ
 مهاجرت به آمریکا
 یک پنجره
 من و قهوه و تنهایی
 پوریا عالی
 آبی
 درازنای شب
 میرزا پیکوفسکی
 ولوج
 برای خاطر کتاب‌ها
 به همین سادگی
 منصفانه
 Banksyny

تاتر شهر
تماشاخانه ایرانشهر

RSS



Powered By: BLOGFA.COM